

جاگاه حج در اندیشه سیاسی و مبارزاتی امام خمینی علیه السلام

امیر سیاهپوش^۱

چکیده

در این مقاله، تلاش شده است اندیشه سیاسی و مبارزاتی امام خمینی علیه السلام در پیام‌ها و سخنرانی‌هایی که در خصوص حج داشته‌اند، احصا و تشریح شود و تبیین اجمالی از آن ارائه گردد. بیانات امام در این حوزه، بسیار مفصل است و حوزه‌های موضوعی مختلفی را دربرمی‌گیرد. در اینجا به علت مجال محدود، صرفاً به بخشی از مسائل مهم و اساسی زیر پرداخته شده است: «مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی اندیشه انقلابی امام، جامعیت اسلام در اندیشه امام، ارتباط خودسازی درونی با جهاد با طاغوت‌های زمان، ابعاد سیاسی و اجتماعی حج و ابعاد مبارزاتی اندیشه سیاسی امام در خصوص حج».

۱. دانشجوی دکترای انقلاب اسلامی.

مقدمه

نگاه امام خمینی علیه السلام به حیات، نگاهی نظام‌مند و سیستمی بود. در این نگاه، همه عناصر هستی، ارتباطی چندسویه و متقابل باهم دارند و هیچ عنصری را نمی‌توان منفک از سایر عناصر در نظر گرفت.

نگاه سیستمی امام علیه السلام به هستی، برگرفته از جهان بینی توحیدی امام است. از منظر امام، از آنجا که نظام توحیدی بر تمام روابط هستی حاکم است، باید این نظام بر تمام روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و انسانی نیز حاکم باشد. هستی‌شناسی امام خمینی علیه السلام سلسله‌مراتبی است.^۱ در این چارچوب، فهم هر بخش از اندیشه امام، بستگی تام به فهم نگاه هستی‌شناختی ایشان دارد. با فهم نگاه هستی‌شناختی امام، هم می‌توان سایر ابعاد فکری بیان‌شده توسط ایشان را درک کرد و هم به استنتاج و استنباط بخش‌هایی پرداخت که در خصوص آن اظهار نظری نداشته یا همه اجزا مرتبط تشریح نشده است. بررسی سیر اندیشه اجتماعی و سیاسی امام، حاکی از ثبات در مبانی و تسری اصول در سایر اجزا و اشکال زمانمند اندیشه ایشان است. در این چارچوب اندیشه سیاسی امام، قبل و بعد از انقلاب و نیز نگاه جهادی و مهاجمانه ایشان به نظام طاغوتی و جهان سلطه، قابل تبیین است.

نگاه امام به مسئله حج، دقیقاً تابع این نگاه هستی‌شناختی است و ایشان این واجب الهی را در خدمت اندیشه توحیدمحور طاغوت‌ستیز تفسیر می‌کنند. مقاله حاضر، قصد دارد این موضوع را بر همین پایه، تحلیل و بررسی کند.

۱. اندیشه سیاسی امام

امام خمینی علیه السلام هستی را مخلوق خدای علیم و حکیمی می‌داند که انسان را خلیفه خود در زمین قرار داده است: «انسان تنها موجودی است که دارای همه مراتب عقلی،

۱. ر.ک: مبانی و اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام حسین مقیمی.

مثالی، حسی است و عوالم غیب و شهادت در او نهفته است... انسان با مُلک مُلک است و با ملکوت ملکوت، و با جبروت جبروت. انسان مجموعه صورت جهانیان و مختصری از لوح محفوظ و شاهد هر غالبی (غایبی) است. او راهی راست به سوی همه خوبی‌ها و صراطی است که میان بهشت و جهنم کشیده شده است.^۱

بنابراین انسان، آیینه تمام‌نمای هستی و کامل‌ترین موجودی است که خدای حکیم آفریده است. خدای حکیم برای نیل انسان به کمال مورد نظر و دستیابی به همه مراتب عالی هستی، انبیای الهی را برای هدایت بشر فرستاده و کامل‌ترین برنامه انسان‌سازی را به صورت قرآن عظیم، توسط حضرت ختمی مرتبت، به انسان آخرالزمانی اهدا کرده است. از نظر امام، قرآن مشتمل بر همه چیز است:

یعنی یک کتاب آدم‌سازی است. همان‌طوری که آدم همه چیز است: معنویت دارد، مادیت دارد، ظاهر دارد، باطن دارد، قرآن کریم هم که آمده است این انسان را بسازد، همه ابعاد انسان را می‌سازد. یعنی کلیه احتیاجاتی که انسان دارد؛ چه احتیاجاتی که شخص دارد و چیزهایی که مربوط به شخص است، روابط بین شخص و خالق تبارک و تعالی و مسائل توحید، مسائل صفات حق تعالی، مسائل قیامت اینها هست [و چه] مسائل سیاسی و اجتماعی و قضیه جنگ با کفار و اینها. قرآن پر است از این آیاتی که این آیات مردم را وادار کرده است و پیغمبر را مأمور کرده است که جنگ کنند با کسانی که متعدی هستند؛ با ظالم‌ها جنگ بکنند. یک کتابی است که تحرک آورده است.^۲

در چنین چارچوبی، بدیهی است که اسلام با سیاست کار داشته باشد. اساساً همه اسلام حکومت است و همه حکومت، اسلام. امام همه ابعاد اسلام را درهم‌تنیده

۱. شرح دعاء السحر (ترجمه فارسی)، امام خمینی، ص ۹.

۲. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۴۸.

می‌دانند و هیچ بخشی را جدا از دیگری تصور نمی‌کنند. سیاست را نیز امری تفکیک‌ناپذیر از دین می‌دانند. از نظر امام:

اسلام، اسلام سیاست است؛ حقیقتِ سیاست است^۱ و رسول الله ﷺ پایه سیاست را در دیانت گذاشته است. پیامبر اعظم ﷺ تشکیل حکومت داده است؛ تشکیل مراکز سیاست داده است و سیاستی که در صدر اسلام بود، یک سیاست جهانی بود. از صدر اسلام از زمان رسول خدا ﷺ تا آن وقتی که انحراف در کار نبود، سیاست و دیانت توأم بودند. این آخوندهای درباری و این به اصطلاح سلاطین آمریکایی یا شوروی، یا باید پیغمبر و پیغمبران را و خلفای پیغمبر و پیغمبران را تخطئه کنند، یا باید خود و حکومت های خود را تخطئه کنند. امر دایر بین این دو است و از این خارج نیست.^۲

از نظر امام، اسلام نه تنها به همه موضوعات و مسائل جامعه توجه دارد و نه تنها سیاستش فراگیر است، بلکه جهان‌گستر نیز است. به عبارت دیگر سیاست اسلامی، مربوط به همه افراد بشر است و به محدوده جغرافیایی خاص یا قوم و زبان خاصی مختص نیست:

مسائلی دارد که مربوط به همه بشر است؛ هیچ مملکتی دون مملکتی نیست. اسلام این‌طور نیست که یک مملکت داشته باشد به اسم ایران مثلاً. یا به اسم عراق یا به اسم کذا، این‌جورها نیست؛ تمام عالم تحت نظرش است. یعنی نظر اسلام به این بوده است که بشر بسازد؛ تمام بشر را! با شرق یا غرب، با شمال، جنوب، با جایی هیچ قوم و خویشی ندارد؛ یک دین الهی است. همان‌طوری که خدای تبارک و تعالی خدای همه است، نه خدای شرقی‌ها و مسلمان‌ها یا غربی‌ها یا مسیحی‌ها یا یهودی‌ها،

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۲۵.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۲۰۴.

این طور نیست، خدای همه است و نسبت به همه رازق است، خالق است و اینها، اسلام هم یک دینی است مال همه؛ یعنی آمده است که همه بشر را به این صورتی که می‌خواهد درآورد، به یک صورت عادلانه درآورد. به صورتی که یک بشر به بشر دیگر یک قطره، به قدر یک سر سوزن تعدی نکند؛ یک بشر با بچه خودش تعدی نکند، با زن خودش تعدی نکند، یک زن با شوهر خودش تعدی نکند، دو تا برادر باهم تعدی نکنند، اینها با رفقای دیگرشان تعدی نکنند. می‌خواهد یک انسان عادل به تمام معنا که انسان باشد، هم عقلیتش عقلیت انسان باشد، هم نفسیتش نفسیت انسان باشد، هم ظاهرش ظاهر انسان و مؤدب به آداب انسانی باشد، می‌خواهد این مطلب را اجرا بکند.^۱

بنابراین دین اسلام، دینی است سیاسی، و اجرای کامل آن بدون توجه به قدرت و حکومت، امکان ندارد. سیاست اسلامی هم سیاستی قومی، زبانی، نژادی و محدود به گستره جغرافیایی خاص نیست؛ بلکه سیاستی است جهانی و فراگیر که همه افراد بشر را متنعّم می‌سازد.

۲. ابعاد سیاسی شعایر اسلامی و حج

گفته شد امام علیه السلام، اسلام را مکتب انسان‌سازی می‌داند که برای نجات و کمال بشر نسخه‌های کاملی فرستاده است. از نظر امام، عبادات و شعایر اسلامی، بخشی از عناصر این نسخه نجات هستند. نماز عید فطر و عید قربان، نماز جماعت و جمعه و سایر اجتماعات، همه ابعاد اجتماعی و سیاسی دارند و در حل مشکلات و بیماری‌های اجتماعی، جامعه اسلامی را یاریگر خواهند بود. امام از این حیث، اجتماع حج را بالاتر از همه این اجتماعات می‌داند که:

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۵۱.

باید در آنجا مسائل اسلام، در آن موافقی که در حج هست، در عرفات، به خصوص در منا و بعد در خود مکه مکرمه، و بعد در حرم رسول اکرم، این موافقی که در آنجا هست، در آنجا مردم مطلع بشوند از اوضاع مملکت و از اوضاع تمام کشورهای اسلامی، و در آنجا بالحقیه یک مجلس عالی است و یک اجتماع عالی برای بررسی به تمام اوضاع تمام کشورهای اسلامی.^۱

امام در همین سخنرانی، وجوه سیاسی شعایر اسلامی را این گونه خلاصه می‌کنند:
 هرروز در محله‌ها اجتماع و رسیدگی به اوضاع شهر و محله، در هر هفته اجتماع بزرگ در شهرها و در جاهایی که شرایط نماز محقق است، برای بررسی به اوضاع شهرستان و بالاتر، اوضاع تمام کشور، و در هر سال باز دو اجتماع بزرگ است برای بررسی به اوضاع کشورها، و در هر سال یک اجتماع بسیار بزرگ از تمام ممالک اسلامی برای حج؛ و آن موافقی که در حج هست، اجتماعات در آنجا برای رسیدگی به اوضاع تمام کشورهای اسلامی، تمام اینها مسائل سیاسی هست و مسائلی است که باید مسلمین به آن توجه داشته باشند.^۲

خلاصه این بخش اینکه در منظر امام، اسلام دینی است جامع و کامل که پاسخ‌گوی همه نیازهای مادی و معنوی انسان است و همه بخش‌های سیاسی و عبادی آن باهم مرتبط اند. از نظر امام، تفکیک بین سیاست و عبادت در اسلام ممکن نیست و بسیاری از شعایر دینی، صورت و باطن سیاسی دارند که بالاترین این شعایر، اجتماع حج است و سیرت آن چیزی جز نفی طاغوت‌های درونی و بیرونی و عبودیت ذات ربوبی نیست. بنابراین، در مراسم و مناسک حج، بیش از هر چیز، مسئله تقابل و تضاد با نظام‌های سلطه‌گر، خداگریز و عصمت‌ستیز نهفته است و بدون توجه به این وجه مهم مبارزاتی،

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۳۳.

۲. همان.

حج چیزی جز اتلاف سرمایه‌های اجتماعی و خدمت به قدرت‌های سلطه‌جوی ملی و بین‌المللی نخواهد بود.

در ادامه به‌اجمال، بخش‌هایی کوچک از اندیشه مبارزاتی امام در پیش و پس از انقلاب، و تطابق رهنمودهای ایشان در خصوص حج و حجاج با این اندیشه‌ها را بیان خواهیم کرد.

۳. مقایسه ادبیات سیاسی امام خمینی در مبارزات انقلابی و پیام‌های حج

با مروری بر اندیشه‌های سیاسی و انقلابی امام علیه السلام، به خوبی درخواهیم یافت که منطق سیاسی و مبارزاتی امام، در همه‌جا یکسان است؛ چه در رهبری انقلاب اسلامی ایران و چه در هدایت امت اسلامی. دلیل این همسانی هم در مبانی منسجم اسلامی و اهداف الهی امام نهفته است که رویکردی جهانی و گسترده - نه محدود و محصور به مکان و زمان خاص - دارد. البته این بدان معنا نیست که امام به‌شیوه یکسانی در مبارزات انقلابی داخلی و نهضت جهانی اسلام قائل اند. نکته محوری این است که امام، منشأ مشکلات امت اسلامی را در همه‌جا یکسان می‌بینند: «دوری از اسلام و نزدیکی به کفر». به‌همین دلیل عملاً می‌بینیم امام در پیام‌هایی که صرفاً مخاطب ایرانی دارند، مسائل جهانی و جامعه اسلامی را طرح می‌کنند و در پیام‌های حج که مخاطب آن امت اسلامی است، به مشکلات فلسطین، لبنان و دیگر بلاد اسلامی توجه می‌دهند و جالب‌تر اینکه در خیلی از پیام‌های حج به امت اسلامی، امام بخشی از پیام را به گزارش وضعیت مردم ایران اختصاص می‌دهند. این مسئله هم در پیام‌های قبل از انقلاب امام دیده می‌شود و هم در پیام‌های بعد از انقلاب.

ما در این مجال اصول کلی و راهبردهای مبارزاتی امام را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۴. مبانی، اصول و اهداف اندیشه جهادی امام

الف) مبنا و هدف اصلی مبارزه: طاغوت درون و بیرون

مبنای اندیشه سیاسی امام در پیام‌های حج و مبارزات انقلابی، مبنا و هدف یکسانی است: «مبارزه با طاغوت».

امام، رکن محوری جهان‌بینی توحیدی را نبرد حق و باطل می‌داند. این نبرد، همیشگی است؛ چنان که در طول تاریخ وجود داشته و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. در اندیشه امام، هدف اصلی انبیا و اولیای الهی، جز حاکم ساختن کلمه توحید و توحید کلمه نبوده است و در این مسیر، چاره‌ای جز مبارزه با شرک و الحاد، در اشکال و ابعاد مختلف، نیست. ایشان در پیامی به مردم و زائران بیت‌الله الحرام، به مناسبت ایام حج، با اظهار تأسف از مهجوریت حج ابراهیمی و پس از ستایش خدای بزرگ که راه و روش چگونه زیستن و برای چه آفریده‌شدن و مقصد آفرینش را به جامعه بشری آموخته است، تمام پیامبران بزرگ الهی را مجاهدان و مبارزان راه خدا می‌داند:

درو بی‌پایان بر پیامبران اولوالعزم، چون ابراهیم بت‌شکن و موسای طاغوت‌برانداز و عیسی مسیح که اگر فرصت یافته بود، همانند آنان بود و محمد، شکننده تمامی بت‌ها و برائت‌جوینده از تمامی مشرکان و ستمکاران، و سلام جاویدان بر ائمه مسلمین، این راهگشایان پیکارگری علیه ستمکاران مسلمان‌نما و جباران غاصب حقوق الله و حقوق الناس و کج‌فهمان داغ بر پیشانی.^۱

در ادامه همین پیام، مبارزه و جهاد پیامبران و ائمه علیهم‌السلام را تابع عده و عده ندانسته است و بهانه‌های مختلف مرسوم را بی‌اعتبار می‌داند.^۲ به اعتقاد امام علیه‌السلام:

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۸۶.

۲. همان، ص ۸۷.

در نظر دنیاگرایان و ملت پرستان، آنچه از این اولیای معظم الهی صادر شده، برخلاف عقل و شرع است. قیام بدون تجهیزات کافی را عقل آنان نمی‌پسندد و شرع آنان اجازه نمی‌دهد، و نیز به عقیده آنان، حرکت از کشوری به کشوری دیگر که دارای حکومت و تشکیلاتی می‌باشد، مخالف با عقل و ملیت بوده و بالأخره مخالف با موازین شرعی و الهی است و همچنین صلح با نمرودیان و فرعونیان و ملحدان و ستمگران و سازش با ظالمان به صورت مسلمان و با زهدفروشان داغ بر پیشانی، طریق صواب و عقل و شرع بوده و هست؛ و با این انگیزه، تسلیم و سازش با آمریکای جهان‌خوار و وابستگان به او، لزوم عقلی و شرعی دارد و تخلف از آن، مخالف شرع و عقل است، و دفاع از ملت مظلوم عراق که زیر چکمه دژخیمان به جان آمده‌اند و فوج فوج علمای عظام و ابرار بی‌پناه آنان به شهادت می‌رسند و زنان و کودکان آنان زیر لگدهای ستمگران می‌سوزند و می‌میرند و فریاد «یا للمسلمین» می‌کشند، برخلاف عقل و شرع می‌باشد.^۱

می‌بینیم امام علیه السلام رهبران بزرگ الهی را مبارزان و سرداران بزرگ جهاد و مبارزه با مستکبران زمان خود دانسته و در این مسیر، هر بهانه و نشانه عقب‌نشینی و سکوت را رد می‌کنند. امام همین اعتقاد را در کتب خود به اشکال مختلف بیان داشته و در سخنرانی‌های دوران قبل از انقلاب، به بهانه‌های مختلف، ابعاد آن را تشریح کرده است و در بعد از انقلاب نیز همین مسیر و منطق را با شدت ادامه داده است.

اما مبنای این نظریه که تمام اولیا و انبیای الهی به مبارزه با بت‌های عالم و حکومت‌های طاغوتی پرداخته‌اند، کجاست؟ در نظر امام علیه السلام، نبرد بین جنود جهل و جنود عقل، نبردی است که در فطرت انسان به ودیعه نهاده شده است. انسان دارای فطرتی الهی است که میل به کمال مطلق دارد و از نقص‌گریزان است. این مسئله در

همه افراد بشر، در تمام زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است.^۱ در این مسیر، جنود عقل در مبارزه دائم با جنود جهل اند و فطرت مخموره انسان در صورت غلبه جنود جهل، محجوب خواهد ماند.^۲

بنابراین انسان، مکلف به تقویت جنود عقل و مبارزه با جنود جهل است و این هر دو گروه در بسترهای اجتماعی و سیاسی مختلف، صورت‌های گوناگون و پیچیده‌ای به خود می‌گیرند؛ درحالی‌که باطن و سیرت یکسانی دارند. امام دقیقاً برپایه همین منطق، رابطه خودسازی درونی و مبارزات اجتماعی را تبیین می‌کنند و مناسک معنوی و اجتماعی حج را درست در همین مسیر می‌دانند.

ایشان در پیامی اظهار امیدواری می‌کنند که حجاج، با خودسازی درونی، بر شیطان درون غلبه کرده و خود را آماده مبارزه با شیاطین بیرونی کنند:

این چنین است که خودسازی و تقوا حجاج را عاشق شهادت می‌کند و آنها را انگیزه‌مند و آماده رهایی از وابستگی سیاسی^۳؛ و اگر مسلمانان جهان به انگیزه انبیا^{علیهم‌السلام} پی‌ببرند و به اقیانوس نور متصل شوند، هرگز در اسارت شیطان و شیطان‌زادگان در نمی‌آیند و برای چند روز، مسند توهمی و ریاست‌های تخیلی، داغ ننگ و ذلت را بر جبین خویش نمی‌پذیرند؛ [یا اینکه] برای تقرب به شیطان بزرگ و طرح اسارت‌بار «کمپ دیوید» و اشباه آن، به جست‌وخیز بر نمی‌خاستند.^۴

پس از این مقدمه‌چینی است که امام همه حجاج و مسلمانان را این چنین به مبارزه

دعوت می‌کند:

۱. ر.ک: شرح حدیث جنود عقل و جهل (طبع جدید)، روح الله خمینی، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۸۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۵۱۵.

۴. همان.

هان ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام! به خود آید و به این اقیانوس الهی متصل شوید و به این نور مطلق استناره کنید تا چشم طمع جهان‌خواران از شما ببرد، و دست تطاول و تجاوز آنان قطع شود و به زندگانی شرافتمندانه و ارزش‌های انسانی برسید. از این زندگی ننگین که مثنی اسرائیلی دوره گرد، بر شما حکومت کنند و مسلمانان مظلوم را در حضور شما پایمال نمایند، رهایی یابید. بارالها، به ما خفتگان توفیق بیداری عنایت فرما و حکام کشورهای اسلامی را به خودآر که با معیارهای اسلامی بر مسلمانان حکومت کنند و بت‌های نحس و طاغوت را در هم شکنند.^۱

امام بر همین اساس، به حجاج دیگر کشورها هشدار می‌دهد که اگر جنبه‌های معنوی حج را فراموش کنید، گمان نکنید که بتوانید از چنگال شیطان نفس رهایی یابید و تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی‌توانید جهاد فی سبیل‌الله و دفاع از حریم‌الله نمایید. امام مسلمانان را به الگوپذیری از سلحشوران جمهوری اسلامی فرامی‌خواند و انذار می‌دهد تا یک درجه از این تحولات معنوی و روحی در آنان حاصل نشود، شیطان نفس اماره و شیاطین خارج، نخواهند گذاشت که به فکر امت اسلامی و مظلومان جهان باشند.^۲

در منطق امام، انبیا به بشر آموختند که بت‌ها، هرچه هست، باید شکسته شوند؛ و کعبه، که ام‌القراست تا آخرین روز جهان، باید از لوث بت‌ها تطهیر شود. امام ابرقدرت‌های زمان ما را بت‌های بزرگی می‌دانست که جهانیان را به کرنش و پرستش خود می‌خوانند، و با زور و زر و تزویر، خود را به آنان تحمیل می‌نمایند و کعبه معظمه، یکتا مرکز شکستن این بت‌هاست.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۵۱۵.

۲. همان، ج ۱۹، صص ۲۵ و ۲۶.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۸۷.

به همین دلیل از نظر امام خمینی، مهدی منتظر، در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین، از کعبه - نه از جای دیگر - ندا سر می‌دهد و بشریت را به توحید می‌خواند.^۱

گویا از نظر امام، کعبه نقطه آغاز و فرجام مبارزه حق و باطل است. از نظر ایشان، این مکان مجاهدت و ایثار «زائران عزیزی را در آغوش می‌کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی به سوی حج ابراهیمی - محمدی سوق می‌دهند و حیات آن را تجدید می‌نمایند، و بت‌های شرق و غرب را در هم می‌شکنند و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می‌دارند؛ و دل میقات، در هوای زائرانی می‌تپد که از کشور «لا شرقیه و لا غربیه» آمده‌اند تا با تلبیه و «لبیک، لبیک» دعوت خداوند را به سوی صراط مستقیم انسانیت اجابت کنند؛ و با پشت پازدن بر مکتب‌های شرقی و غربی و انحرافات ملی‌گرایی، فرقه‌زدایی نموده، با همه ملت‌ها، بدون در نظر گرفتن رنگ و ملیت و محیط و منطقه، برادر و برابر، غم‌خوار یکدیگر باشند و تحکیم وحدت کنند، و با یدِ واحده بر دشمنان بشر و زورگویان جهان‌خوار بتازند، و جمرات، انتظار فداکارانی را می‌کشد که از کشوری آمده‌اند که ملت شجاع آن، شیاطین بزرگ و کوچک و متوسط را بی‌باکانه از کشور خود رانده‌اند و دست ناپاکشان را از ذخایر میهن خود قطع نموده؛ و در این مکان مقدس نیز با سنگ‌ریزه‌ها و شعارهای کوبنده، گروه شیاطین را از «ام‌القری» و «ما حوّلها» که جهان است، رمی و طرد کنند، و عرفات و مشعر و منا میهماندار کسانی هستند که ملت مسلمانان با عرفان و شعور سیاسی قیام نموده‌اند تا آرمان‌ها و امانی اسلام را در کشور خود و سایر کشورهای مظلوم تحت ستم تحقق بخشند؛ و سیاست‌بازان قلابی را که با فریب و دغل بر مظلومان جهان تاخته و هستی همه را غارت نموده‌اند، رسوا کنند.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۸۷.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۳۳۴.

امام با همین منطق، دائم مسلمین را به جهاد علیه بزرگ‌ترین بت‌های عالم می‌خواندند: کدام بت به پایه شیطان بزرگ و بت‌ها و طاغوت‌های جهان خوار می‌رسد که همه مستضعفان جهان را به سجده خود و ستایش خویش فراخواند و همه بندگان آزاد خدای تعالی را بنده فرمان‌بردار خویش داند؟ در فریضه حج که لبیک به حق است و هجرت به سوی حق تعالی به برکت ابراهیم و محمد است، مقام «نه» بر همه بت‌ها و طاغوت‌هاست و شیطان‌ها و شیطان‌زاده‌هاست، و کدام بت از شیطان بزرگ آمریکای جهان خوار و شوروی ملحد متجاوز، بزرگ‌تر، و کدام طاغوت و طاغوت‌چپ از طاغوت‌های زمان ما بالاترند؟ در لبیک لبیک، «نه» بر همه بت‌ها گویند و فریاد «لا» بر همه طاغوت‌ها و طاغوت‌چپ‌ها کشید^۱ و با حال شعور و عرفان به مشعر الحرام و عرفات روید و در هر موقف، به اطمینان قلب، بر وعده‌های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید و با سکوت و سکون، تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راه‌های نجات را از حق، در آن مواضع کریمه طلب کنید.^۲

می‌بینیم که امام خمینی، تمام مناسک و مراسم حج را عرصه اعلان جهاد علیه بت‌ها و طواغیت می‌داند. همین منطق مبارزه، بارها در پیام‌های مختلف به حجاج تبیین و تکرار شده است. در مجموع می‌توان گفت که امام، طاغوت‌های حاکم را دو گروه می‌داند: «استعمار و استکبار خارجی و استبداد داخلی». امام در مبارزات انقلاب اسلامی، نظام ستم‌شاهی را دست‌نشانده و نوکر استعمار می‌دانست و یکی از اهداف مبارزه را در ساقط نمودن این حکومت ترسیم کرده بود.

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۸۹.

۲. همان، ص ۹۰.

ب) مبارزه با استکبار جهانی و استبداد داخلی

یک - استبداد داخلی

امام در مبارزات دوران انقلاب، یکی از اهداف مبارزه را اسقاط نظام استبدادی ستم‌شاهی می‌دانست. ایشان در پاسخ به نامه دانشجویان فارسی‌زبان در آمریکا و کانادا در مرداد ۱۳۴۹ با یادآوری وقایع پانزده خرداد، آن را سند زنده مبارزه با استبداد می‌داند.^۱ در سخنرانی دیگری باز ضمن برشماری جنایات نظام ستم‌شاهی و بیان خوی استبدادی آن، بر ضرورت مبارزه تأکید می‌کند و هدف انقلاب را مبارزه با استبداد و تلاش برای رهایی جامعه اسلامی از چنگ نظام دیکتاتوری وابسته می‌داند.^۲

همین‌طور در پیام به حجاج در بسیاری موارد، مردم را به مبارزه با دولت‌های فاسد و دست‌نشانده دعوت می‌کند. اساساً امام حکام دست‌نشانده را عملی استبداد بین‌المللی می‌داند و از نظر ایشان، آنچه از قرن‌ها پیش تا کنون بر سر مسلمین آمده، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولت‌های اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خداداد آنان را به باد فنا داده و به‌طور مداوم می‌دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است، که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمال غرب زده و شقوق‌زده آنان، به توده‌های مسلمانان محروم، تحمیل شده است.^۳

ایشان در پیامی به‌مناسبت کشتار زائران در حج بیان می‌کنند:

فرقی بین محمدرضاخان و صدام آمریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۵۲.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۸۹.

اسلام‌زدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر آمریکا هستند و مأمور خراب کردن مسجد و محراب و مسئول خاموش نمودن شعله فریاد حق طلبانه ملت‌ها.^۱

دو - استعمار و استکبار (آمریکا دشمن اصلی)

ایشان در تهیج مردم انقلابی ایران به مبارزه، مسئله استکبار و استعمار را مسئله اول می‌داند. همین‌طور برای امت اسلامی باز مسئله استکبار و استبداد بین‌المللی مسئله اول است. در همین چارچوب، آمریکا شیطان بزرگ و بزرگ‌ترین طاغوت زمان و هدف اصلی مبارزه است.

در نظر امام، مهم‌ترین و دردآورترین مسئله‌ای که ملت‌های اسلامی و غیراسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه‌اند، موضوع آمریکاست. ایشان آمریکا را دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان می‌داند که برای سیطره سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌کند.^۲ ایشان در پیام به حجاج، باز بر همین مسئله تأکید می‌کند و رمز موفقیت آمریکا و اسرائیل را در تفرقه‌افکنی می‌داند.^۳

سه - مسئله اسرائیل (محصول اتفاق استبداد داخلی و استکبار جهانی)

اسرائیل و مسئله فلسطین را می‌توان از کانونی‌ترین مسائل مورد نظر امام در میدان مبارزه و تخاصم سیاسی دانست. امام این مسئله را مربوط به همه کشورهای اسلامی، بلکه مؤثر بر سرنوشت همه ملل عالم می‌داند. از نظر امام، پیوند گریزناپذیری بین استبداد داخلی، استکبار بین‌المللی و حفظ و بقای اسرائیل هست. به همین دلیل امام،

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۵۰.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۳.

۳. همان، ج ۱۹، صص ۲۸ و ۲۹.

همواره و در مبارزات انقلابی و نیز پیام‌های حج، بدون استثنا به ضرورت مبارزه با این غده سرطانی توجه داده‌اند. ایشان در ۱۹ مهر ۱۳۵۱ بیان می‌کنند:

مقصود دول بزرگ استعمار از ایجاد اسرائیل، تنها اشغال فلسطین نیست؛ بلکه اگر به آنان فرصت داده شود، تمام کشورهای عربی - العیاذ بالله - به سرنوشت فلسطین دچار خواهند شد.^۱

در ادامه مسلمین را تحریض می‌کنند، از مجاهدانی که علیه صهیونیست‌ها قیام نموده‌اند، حمایت کنند.^۲

امام بعد از انقلاب، همین منطق را با استحکام و قدرت ادامه دادند. در مقطعی که دولت‌های دست‌نشانده، جمهوری اسلامی را به داشتن رابطه با اسرائیل متهم می‌کردند، امام ضمن رد این ادعای واهی، سوابق دفاع خود و ملت ایران را از فلسطین چنین توضیح می‌دهند:

چه شخص مطلعی است که نداند ایران دشمن سرسخت اسرائیل بوده و هست، و نداند که یکی از موارد اختلاف ما با شاه مخلوع، روابط دوستانه او با اسرائیل بود، و چه کسی است که نداند ما بیشتر از بیست سال است که در خطابه‌ها و اعلامیه‌ها اسرائیل را هم‌ردیف آمریکا در ستمگری و دنباله او در تجاوز و غارتگری محکوم کردیم، و کیست که نداند در طول انقلاب اسلامی و در شور تظاهرات میلیونی، ملت مسلمان ایران، اسرائیل را در ردیف آمریکا دشمن خود خواند و نفت را بر روی آنان بست و خشم و نفرت خود را نثار هر دو کرد.^۳

امام در یکی از پیام‌ها ضمن برشمردن جنایات اسرائیل و ابراز تأسف و تأثر، این جنایات را مصیبتی بزرگ می‌داند و بزرگ‌تر از آن را ناتوانی و کوتاهی مسلمانان در رویارویی با اسرائیل. از نظر ایشان، فاجعه برای مسلمانان آن است که بعضی از

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۶۱ (۱۹ مهر ۱۳۵۱ / ۳ رمضان ۱۳۹۲).

۲. همان، ص ۴۶۲.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

دولت‌های به اصطلاح مسلمان، با دیدن این فجایع بزرگ، مانع می‌شوند تا مظلومان از دست ستمگران حتی ناله کنند.^۱

در مجموع امام معتقدند ملت‌های مسلمان باید در صدد نجات فلسطین باشند و «مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازش‌کاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته‌هایی که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمین‌های غصب‌شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده‌اند، به دنیا اعلام کنند و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره‌ها و رفت و آمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین را خدشه‌دار کنند».^۲

در مجموع، همچنان‌که در سطور پیشین اشاره شد، امام عامل اصلی بقا و دوام دولت ضعیف و جنایت‌پیشه اسرائیل را ملازمت و معاضدت دولت‌های مستبد دست‌نشانده در کشورهای اسلامی با دولت آمریکا می‌داند:

تأسف دارد که اسلام آن وضع را دارد و کسانی که ادعای اسلام را می‌کنند، این وضع را دارند. اسلام نسبت به متخلفین، نسبت به متجاوزین، آن‌طور سخت‌گیری می‌کند و اینهایی که می‌گویند ما تابع اسلام هستیم، تشویق هم می‌کنند.^۳

ج) رویارویی جاویدان بین حق و باطل و اهمیت جهاد در راه خدا

نکته مهم دیگر در اندیشه امام، تأکید بر دائم‌بودن نبرد حق و باطل است: قرآنی که ما را از برخورد انبیای معظم الهی با مستکبرین جهان و جهان‌خواران طول تاریخ آگاه نموده و از طریقه حضرت خاتم‌الرسال صلی الله علیه و آله با مشرکان و زورگویان و کفار و در رأس آنان منافقان، مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری و هر مصری است. در این کتاب جاوید می‌بینیم که فرموده:

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، صص ۵۱۰ و ۵۱۱.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۳۲۰.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۴۳۲.

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ
 اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ
 جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾^۱؛ خطاب به
 مصلحت‌اندیشان و سازش‌کاران و متأسفان برای شهادت جوانان و ازدست‌رفتن
 مال‌ها و جان‌ها و خسارت‌های دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حبّ خدای تعالی
 و رسول اکرم ﷺ در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل‌الله را ذکر فرموده و تنبه
 داده که جهاد فی سبیل‌الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و
 تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید؛ از ذلت و اسارت و
 بربادرفتن ارزش‌های اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید،
 از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره؛ و بدیهی است که همه اینها
 پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم و
 اشاره به این امر است آیه کریمه ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ
 يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۲، و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه دشمنان اسلام، خصوصاً در
 این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن حکومت‌هایی مثل ستم‌شاهی و
 برگرداندن مستشاران غارتگر و بربادرفتن حرث و نسل ملت و بر سر کشور و ملت
 ایران، آن آید که بر سر کشور عراق و ملت مظلوم آن در این چند سال آمد.^۳

۱. «بگو اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشان خود را و اموالی که جمع آورده‌اید و کالا و مال‌التجاره که از
 کسادی آن بیمناکید، و مسکن‌هایی که بدان دل خوش کرده‌اید، بیش از خدا و رسول او و جهاد در راه او دوست
 می‌دارید، پس منتظر باشید تا امر نافذ (و قضای حتمی) خدا جاری گردد؛ و خداوند بدکاران را هدایت نخواهد کرد»
 (توبه: ۲۴).

۲. بخشی از آیه ۶۳ سوره نور: «کسانی که امر خدا را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه و یا عذابی دردناک آنان
 را دربرگیرد».

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۲.

د) اصول و راه حل مبارزه

امام برای یک مبارزه درست و پیش‌برنده، لوازم و شرایطی قائل‌اند و ابعاد آن را به مناسبت‌های مختلف تبیین می‌کنند. بخش مهمی از پیام‌های حج امام به این موضوع اختصاص دارد. در اینجا صرفاً مهم‌ترین اصول مبارزه سیاسی در اسلام از منظر ایشان را به اجمال بررسی می‌کنیم:

یک - ضرورت وحدت و انسجام

امام همواره یکی از دلایل عقب‌ماندگی و ویرانی ملل اسلامی را تفرقه دانسته‌اند. ایشان در مبارزات دوران انقلاب، همواره بر مسئله وحدت و انسجام بین مردم و همچنین مردم و حکومت تأکید داشته‌اند. اما این مشکل را در سطح امت اسلامی، بسیار جدی‌تر و عمیق‌تر می‌بینند. بر این اساس، بر وحدت مسلمین تأکید بیشتری داشته و حج را مهم‌ترین محور اتحاد و انسجام برپایه اسلام می‌دانند. از نظر ایشان، عامل اصلی تشتت و ازهم‌گسیختگی در بین امت اسلامی، شیطان بزرگ است که به چند طریق عمل می‌کند:

- جوجه‌های شیطان بزرگ^۱؛

- ترویج ملی‌گرایی افراطی^۲؛

- ایجاد اختلاف مذهبی^۳؛

- آخوندهای درباری: امام نقش ملاحی منحرف و دست‌نشانده حکام جور در ایجاد نفاق و شقاق در بین امت اسلامی را نقشی بی‌بدیل و زجرآور می‌داند. از نظر ایشان،

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

۲. همان، ص ۲۰۹.

۳. همان.

به دلیل همین سرسپردگی و حماقت این گروه است که هیچ گاه مورد تعرض تروریست‌ها قرار نگرفته‌اند.^۱

دو - دعوت به وحدت برای قیام

امام ضمن تذکر درباره عوامل تفرقه‌افکن، همه مسلمین را به اتحاد و انسجام دعوت می‌کند. کمتر مطلبی تا این اندازه مورد توجه و تأکید امام قرار گرفته و مکرر به آن دعوت شده است؛ به خصوص در پیام‌های حج. مطلب زیر نمونه خوبی از لحن و منطق امام در دعوت به اتحاد است؛ اتحادی که به افزایش نیروی مسلمین و تشجیع روحی و تجهیز قوای آنها منجر شده و در قیام علیه مستکبران، پیروزی را به ارمغان خواهد آورد. این مطلب در یکی از پیام‌های امام به زائران حج آمده است:

هان! بشناسید این مشاعر بزرگ را، و مجهز شوید از مرکز بت‌شکنی برای شکستن بت‌های بزرگ که به صورت قدرت‌های شیطانی و چپاولگران آدم‌خوار درآمده‌اند، و از این قدرت‌های تهی از ایمان نهراسید، و با اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه، پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید، و از تفرق و تنازع بپرهیزید: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾. رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است، با تنازع و دسته‌بندی‌های موافق با هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می‌شود، و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید که سرچشمه عظمت امت اسلامی است، به پیروزی می‌رسد. ای مسلمانان جهان! چه شد شما را که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرت‌های عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی - انسانی ایجاد نمودید. اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است، در مقابل دشمن، این چنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می‌دانید که تمام بدبختی‌های شما در تفرقه و

اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید و به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى﴾ همه قیام کنید و برای خدا قیام کنید؛ قیام فرادا در مقابل جنود شیطانی باطن خودتان، و قیام همگانی در مقابل قدرت‌های شیطانی. اگر قیام و نهضت، الهی و برای خدا باشد، پیروز است. ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملت‌ها پرخاش کنید. ای زائران خانه خدا، در مواقف و مشاعر الهی به هم پیوندید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و مستضعفان جهان را بخواهید.^۱

سه - ضرورت توجه به وضعیت محرومان و مستضعفان

امام، هم در مبارزات دوران انقلاب و هم در پیام‌هایشان به حجاج، همواره به مسئله محرومان و مستضعفان عالم توجه داشته‌اند. از نظر ایشان، یکی از اهداف جهاد با مستکبران عالم، رهایی قشر محروم و مظلوم از چنگال آنان است. در اندیشه امام، اساساً اسلام برای نجات مستضعفان آمده است.^۲

از نظر امام، جنگ‌های زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، همیشه جنگ مستضعفان با زورمندها بوده است؛ با کسانی مثل ابوسفیان و امثال آنها که صاحب قدرت بوده‌اند و منافع ملت‌ها را غارت کرده‌اند. امام معتقدند در یک آیه قرآن، نمی‌توان مطلبی پیدا کرد که مستضعفان را به ملامت با زورمندان جبار دعوت کرده باشد.^۳ اساساً تمام انبیا با کمک مستضعفان

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۳۹.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۵۷.

۳. همان، ص ۲۱۴.

بر مستکبران پیروز شده‌اند و انقلاب اسلامی نیز انقلابی است جهانی و الگویی کامل است برای دعوت مستضعفان به قیام و مبارزه با مستکبران عالم:

تمام ادیان آسمانی از بین توده‌ها برخاسته است و با کمک مستضعفین، بر مستکبرین حمله برده است. مستضعفین، در همه طول تاریخ، به کمک انبیا برخاسته‌اند و مستکبرین را به جای خود نشانده‌اند. در اسلام، پیغمبر اکرم از بین مستضعفین برخاست و با کمک مستضعفین، مستکبرین زمان خودش را آگاه کرد یا شکست داد. مستضعفین بر تمام ادیان حق دارند. مستضعفین به اسلام حق دارند؛ زیرا در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله، این جمعیت بودند که کمک کردند دین اسلام راه ترویج کردند از دین اسلام. رژیم‌های شاهنشاهی و مستکبرین وابسته به آن رژیم، همیشه راه آنها غیر راه اسلام بوده است و با مبارزه با اسلام، زندگی منحوس خود را ادامه می‌دادند. مستضعفین بودند که دنبال انبیا بودند، دنبال علما بودند، دنبال اولیا بودند. نهضت ما هم با مستضعفین پیش رفت. مستکبرین یا فرار کردند یا در منازل خود نشستند.^۱

امام در بیان مفهوم مستضعف، معتقدند:

مستکبرین منحصر به سلاطین نیستند، منحصر به رؤسای جمهور و دولت‌های ستمگر نیستند. مستکبر معنای اعمی دارد که یک مصداقش همان اجانب هستند که تمام ملت‌ها را ضعیف می‌شمرند و مورد تجاوز و تعدی قرار می‌دهند؛ یک مورد هم همین دولت‌های جائر و سلاطین ستمگر هستند که ملت‌های خودشان را ضعیف می‌شمرند و به آنها تعدی می‌کنند و دست تعدی به ملت‌ها دراز می‌کنند.^۲

از نظر امام «هر فرد، می‌شود که مستکبر باشد و می‌شود مستضعف باشد. اگر من به زیردست‌های خودم، ولو چهار نفر باشد، تعدی و تجاوز کردم و آنها را کوچک

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۲۷.

۲. همان، ص ۴۸۹.

شمردم، بنده خدا را کوچک شمردم، من مستکبرم و او مستضعف؛ و مشمول همان معنایی است که مستکبرین و مستضعفین هستند.^۱

امام در پیام به حجاج، مکرر همین مطلب را بیان کرده و حج گزاران را به قیام علیه مستکبران و حمایت از مستضعفان عالم فراخوانده‌اند. از نظر ایشان، یکی از کارکردهای حج، اساساً ایجاد وحدت و همدلی بین مستضعفان است. این کنگره، کنگره بین‌المللی مستضعفان برای همدلی و همفکری در راستای مبارزه با مستکبران است. جالب اینکه امام در یکی از پیام‌هایشان به حجاج، پیشنهاد تأسیس حزب جهانی مستضعفان را می‌دهد که منجر به اتحاد و همدلی می‌شود:

تمام مستضعفان دنیا، اعم از مُسَلَّم و غیرمُسَلَّم - این دولت‌های غیراسلامی که به مردم ظلم می‌کنند؛ ملت‌ها این‌طور نیستند. ملت مثلاً آمریکا، ملت فرانسه، آنها که ظلمی نمی‌خواهند بکنند. اینکه ظلم می‌کند، آنکه خلاف می‌کند، دولت‌ها هستند. آنها هم مستضعفینشان گرفتار مستکبرین است - اگر یک حزبی در عالم، پیدا بشود، یک حزب عالمی، حزب مستضعفین، که همان «حزب الله» است، این مشکل رفع بشود. با رفع این دو اشکال، تمام مشکلات مسلمین رفع می‌شود؛ هیچ قدرتی با این قدرت‌ها نمی‌تواند مقابله بکند.^۲

ایشان در یکی دیگر از پیام‌های حج، ضمن یادآوری این مطلب که از جمله وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است، خطبا، گویندگان و نویسندگان را دعوت می‌کنند در این امر حیاتی اقدام نمایند و کوشش کنند در به وجود آوردن جبهه مستضعفان که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار «لا اله الا الله»، از تحت اسارت قدرت‌های شیطانی اجانب و

۱. صحیفه امام، ج. ۷، ص. ۴۸۹.

۲. همان، ج. ۹، ص. ۳۳۱.

استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند.^۱
 البته توان تجمیع مستضعفان و تهییج آنان به مبارزه، لوازمی دارد که باید به آن توجه کرد و از آن جمله توجه به مردم ضعیف و همدلی با آنان است:

حقیقت حج این است که شما بروید درد مردم را ببینید؛ ببینید فقرا چه جوری هستند، شما هم بشوید آن‌طور. ببینید مستمندان جهان چطورند، شما هم [به] آن رنگ در آیید. خوب، شما حاجی هستید، شما مسلمانی هستید که می‌خواهید به داد مسلمین برسید، به داد مستضعفان جهان برسید. این قدر بالا نبرید توقعات خودتان را که خدای تبارک و تعالی یک وقت - خدای نخواستہ - امر بفرماید که این جور نشود - و نمی‌شود آن وقت - آن وقت گرفتاری زیاد می‌شود.^۲

دقت در مجموع بیانات امام نشان می‌دهد که این دیدگاه، صرفاً یک سفارش اخلاقی نیست، بلکه از نظر امام، یکی از شروط اصلی مبارزه با استکبار، دوری از طواغیت و منش‌های اشرافی و تمسک به ساده‌زیستی و هم‌سفرگی با فقراست. مجاهدی که می‌خواهد با طواغیت زمان مبارزه کند، نمی‌تواند رفاه‌طلب و تن‌پرور باشد.

چهار - ضرورت مبارزه با بی‌تفاوتی

امام معتقدند باید رویکرد مسلمانان درباره اسلام و ارزش‌های آن تغییر کند؛ به خصوص نسبت به رویکرد سیاسی و جهادی آن. از نظر ایشان، یکی از عوامل خمودی و عقب‌ماندگی مسلمانان، ترویج روحیه بی‌تفاوتی و ولنگاری در بین مردم است. این مسئله در همه‌جای جهان اسلام، بلیه عمومی است. اساساً می‌توان گفت یکی از هدف‌های امام در پیام‌های حج، این است که مسلمانان را از بی‌اعتنایی به اطراف و مسائل جهان اسلام خارج کند و روحیه انقلابی را در آنها پدید آورد. این بی‌اعتنایی در

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۵۹.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۴۲۸.

منطق امام، همه اقشار، اعم از علما و عامه مردم را شامل می‌شود. در نظر امام، بدترین نوع بی‌اعتنایی، بی‌اعتنایی صاحبان اندیشه، روشنفکران و علماست؛ زیرا بی‌اعتنایی آنها به عموم مردم سرایت می‌کند. به همین دلیل می‌بینیم هم‌زمان امام، هم علما و هم سایر اقشار بلاد اسلامی را به مبارزه و قیام دعوت می‌کنند. ایشان مکرر در پیام‌های حج، علما و خطبا را به مبارزه علیه بی‌اعتنایی دعوت می‌کنند.

از نظر امام، در ایران قبل از انقلاب، دخالت در امور سیاسی یک عیب شده بود. الآن هم شاید بعضی اشخاص این را یک عیبی می‌دانند که فلان ملاً چه کار دارد به اینکه در ایران چه می‌گذرد؛ تو نمازت را بخوان و برگرد منزلت، دعا بکن. این نقشه‌ای بود که تحمیل بر همه ما شده بود؛ یعنی، جوری شده بود که همه باورمان آمده بود آخوند چه به اینکه ببیند در امور مسلمین چه می‌گذرد. آن امور مسلمینی که در صدر اسلام با علمای اسلام بوده، پیغمبر اکرم عالم بزرگ اسلام، بالاترین شخص اسلام، حضرت امیر علیه السلام هم همین‌طور؛ آن وقت آن‌طور بوده است و بعد وضع برگشت به اینکه نمی‌توانست یک آخوندی، یک عالمی، یک مجتهدی اسم سیاست را ببرد. نمی‌توانست دخالت در یک امری بکند. می‌گفتند به شما چه ربط دارد؟ شما بنشین سر جای‌تان! به ما چه که فلان چیز.^۱

از نظر ایشان، الآن هم در بلاد اسلامی همین روحیه حاکم است؛ برای مثال:

حجاز، که مرکز اسلام بوده است و مرکز تجهیز همه قوای اسلامی بوده است، همین وضع را دارد که [می‌گویند:] به ما چه ربط دارد که کجا چه می‌شود؟ به ما چه ربط دارد که اسرائیل چه می‌کند؟ این «به ما چه ربط دارد» که یک شعاری شده بود بین همه، اسباب این شد که رسیده است کار به آنجا که می‌بینید که بلاد مسلمین آن‌طور دستخوش تاخت و تاز آمریکا شده که از آن‌ور دنیا آمده است برای

مسلمین می‌خواهد همه کارها را او اداره کند؛ قیم شده است. الان آمریکا قیم امور مسلمین شده است. در همه امورشان او باید دخالت کند و مملکت اسلامی را او باید اداره کند؛ او باید ارتش بفرستد و نمی‌داند چه بفرستد. اینها برای همین بود که ما اسلام را از محتوای خودش بیرون کرده بودیم، و حالا هم هر چه فریاد زده می‌شود در ایران الحمدلله، خوب است و دارد پیشرفت می‌کند، اما جای دیگر، این فریاد به جایی نمی‌رسد.^۱

امام به شدت با این منطق مخالف بود و معتقد بود روحیه مسئولیت‌پذیری در قبال مشکلات جوامع اسلامی و دیگر مردمان عالم باید برپایه منطق دین مهرپرور اسلام، ترویج و تقویت بشود. در این صورت است که امکان تجمیع نیروها و توانایی‌ها برای مبارزه با مشکلات در عرصه‌های گوناگون وجود خواهد داشت.

پنج - تعاطی و تعامل بین مسلمین برای بهره‌گیری از تجارب

امام در مسیر نهضت جهانی اسلام معتقدند باید تجربه‌های مبارزاتی و جهادی مسلمین در اختیار دیگران قرار بگیرد. مسلمین علاوه بر کمک مادی به یکدیگر باید تجارب سیاسی و فرهنگی خود را نیز در مسیر مبارزه با طاغوت، سخاوتمندانه و بدون کوچک‌ترین چشمداشتی مبادله کنند؛ با همین منطق، معتقدند باید تجارب انقلاب اسلامی ایران به طور کامل در اختیار سایر ملل مسلمان قرار بگیرد:

تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خون‌بهای هزاران شهید و مجروح و خراب‌شدن منزل‌ها و به آتش کشیده‌شدن خرمن‌های کشاورزان و کشته‌شدن تعداد بسیاری در بمب‌گذاری‌ها و اسیرشدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و هزاران‌گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب‌شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به

دست آورده و با فداکاری‌ها و مجاهدات، انقلاب و کشور خود را بیمه کرده است، و ما به تمام جهان، تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده‌شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست. روشنفکران اسلامی، همگی با علم و آگاهی باید راه پرفرازونشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بیمایند و تمام آزادی‌خواهان باید با روشن‌بینی و روشنگری، راه سیلی‌زدن بر گونه ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی‌خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم، ترسیم کنند.^۱

۵. برائت از مشرکان، ملخص و مجمع ابعاد مبارزاتی اندیشه امام

شاید بتوان گفت چکیده اندیشه مبارزاتی امام را می‌توان در نگاه ایشان به مسئله برائت و مراسم برائت از مشرکین در حج دانست. همه آنچه را در خصوص اندیشه سیاسی امام در مبارزات انقلاب و نیز در خصوص مسائل امت اسلامی و نظام جهانی گفته شد، می‌توان در پیام برائت ایشان جست‌وجو کرد. در اینجا مجال پرداخت به همه عناصر جهادی اندیشه امام در پیام برائت نیست. به‌ناچار صرفاً مجملی از یکی از پیام‌های ایشان به حجاج بیان می‌شود. ایشان در ششم مرداد ۱۳۶۶ در پیامی به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام اعلام کرد:

اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است. باید در ایام حج، به صورت تظاهرات و راه‌پیمایی، باصلاحت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر، برگزار شود و فریاد کوبنده برائت از مشرکان و ملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان آمریکای جنایت‌کار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و

کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند. مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود، و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن، به هر چه تجاوز و ستم و استعمار و بردگی و یا دون‌صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً پشت شود.^۱

در همین پیام آمده است که برائت کهنه‌شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق به ذات حق و نفرت و بغض عملی به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردیدآفرینان و متحجران و منحرفان گوش فراندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان‌شمولی اسلام، غفلت نکنند.^۲

نکته محوری اینکه امام در هر حال، اعلان برائت در حج را به منزله «تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت‌پرست‌ها» می‌دانند؛ امری که از نظر ایشان به شعار هم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه «سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازمان‌دهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس‌صفتان است» و از اصول اولیه توحید به شمار می‌رود، و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند، پس در کجا می‌توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیا نیست، پس مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟^۳

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۴.

۲. همان، ص ۳۱۵.

۳. همان، ص ۳۱۶.

همچنین امام خمینی علیه السلام اعلان براءت را «مرحله اول مبارزه» می‌دانند که ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ماست و در هر عصر و زمانی، جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبند و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمام مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوس‌ها و شهوت‌ها نموده‌اند، چه باید کرد. آیا باید در خانه‌ها نشست و با تحلیل‌های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسان‌ها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان‌زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت‌پرست‌ها منحصر به سنگ و چوب‌های بی‌جان بوده است و نعوذ بالله پیامبرانی همچون ابراهیم علیه السلام، در شکستن بت‌ها پیش‌قدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده‌اند؟ و حال آنکه تمام بت‌شکنی‌ها و مبارزات و جنگ‌های حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره‌پرستان، مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرت‌ها و تحمل سختی‌ها و سکونت در وادی غیرذی‌زرع و ساختن بیت و فدیة اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام‌آوران، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می‌کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی ﴿إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ ابلاغ می‌نماید؛ که اگر غیر از این، تحلیل و تفسیری به دست دهیم، اصلاً در زمان معاصر، بت و بت‌پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت‌پرستی جدید و مدرن را در شکل‌ها و افسون‌ها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند، خبر نداشته باشد.^۱

از نظر ایشان، امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، «فریاد از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان، آمریکا و اذنب آن، به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه‌اش به غارت رفته است»؛ «فریاد ملت مظلوم و ستم - دیده - کشیده افغانستان»؛ «فریاد مردم مسلمان آفریقا، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه‌بودن، تازیانه ستم سیه‌روزان بی‌فرهنگ نژادپرست را می‌خورند»؛ «فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملت‌ها و کشورهای دیگری که ابرقدرت‌های شرق و غرب، خصوصاً آمریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه آنان را به غارت برده‌اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند و از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمین‌های آنان چنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند»؛ «فریاد برائت همه مردمانی که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه‌طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسل‌ها باشند»؛ «فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروت‌ها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندان ملت‌هایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است»؛ «فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرنه‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه‌روزی آنان را، زراندوزان و دزدان بین‌المللی به یغما برده‌اند و حریصانه از خون‌دل ملت‌های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکش‌شان، به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیسم و کمونیسم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده‌اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود، محروم نموده‌اند»؛ «فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمان‌ها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته‌اند».

امام علیه السلام در بخش‌های پایانی همین پیام، این‌گونه منطق ظلم‌ستیز خود را تکمیل می‌کند: قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنان، مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است، ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرنه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان‌خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند، سلب خواهد کرد.^۱

در این پیام، مبنای مبارزه، اهداف و مقاصد آن، گستره موضوعی و جغرافیایی مبارزه و میزان تعهد به اهداف مبارزه، به‌خوبی خلاصه شده است.

جمع‌بندی

با در نظر گرفتن آنچه بیان شد، می‌توان گفت که اندیشه انقلابی امام، همه‌جا رنگ و بوی یکسانی دارد و مبانی و علایم آن، تفاوت چندانی ندارند؛ چه در مبارزات علیه نظام ستم‌شاهی در ایران و چه در پیام به جامعه اسلامی برای برائت از مشرکان در حج. محور این انسجام، چیزی جز اتکا به مبانی متقن اسلامی و اتخاذ بینش‌ها و روش‌ها از منابع و مراجع اسلام ناب محمدی نیست. در نظر امام، اسلام دینی جامع و کامل است که سازنده همه ابعاد وجودی انسان است و قرآن، کامل‌ترین نسخه علاج مشکلات را در اختیار آنها قرار می‌دهد. در این چارچوب، اسلام واقعی واحد است که ابعاد متکثری دارد و هر یک از این ابعاد، در خدمت مقصد و مقصود نهایی که نجات و کمال بشر است، می‌باشند. امور سیاسی نیز چنین کارکردی دارند. در نظرگاه امام، همه عبادات و احکام اسلامی، دارای ابعاد سیاسی و اجتماعی‌اند و بی‌توجهی به این ابعاد، به معنای عمل ناقص به یک نسخه جامع است. حج نیز یکی از این نسخه‌هاست که در نظر امام، از بالاترین

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۸.

وجه سیاسی برخوردار است. به طور کلی می‌توان مغز نظریه سیاسی امام را در نبرد دائم و جاودان بین حق و باطل دانست. از نظر ایشان، همه انبیا با طاغوت‌ها و مستبدان زمان خود درافتاده‌اند و بسیاری از آنها در این مسیر به شهادت رسیده‌اند. در نظر ایشان، در زمان ما آمریکا و اسرائیل، بزرگ‌ترین بت‌ها و دشمن اصلی جوامع بشری و مسلمین هستند و همه باید در مبارزات خود، این نقطه اصلی را مد نظر داشته باشند.

امام معتقدند در این کشاکش بزرگ، حج تجلی‌گاه اصلی و روشن‌ترین جایگاه نبرد حق و باطل و جبهه استکبار و استضعاف است. ایشان حج را کانون معارف الهی می‌دانند که از آن، محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی باید جست و جو کرد. حج، پیام‌آور ایجاد و بنای یک جامعه متکامل در دنیا است و مناسک حج، مناسک زندگی است و از آنجاکه جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیوند بخورد و یکی گردد و ید واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است.^۱

امام، حج را یک مجلس بین‌المللی بزرگ می‌دانند که در آن، خدای تبارک و تعالی می‌خواهد مردم را مجتمع کند و مسائل اسلام را طرح، و حل کنند.^۲ از نظر امام، خداوند تعالی سرّ و انگیزه حج و غایت قرارداد کعبه و بیت‌الحرام را، نهضت و قیام مسلمانان برای مصالح ناس و توده‌های مستضعف جهان ذکر می‌فرماید. باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی‌تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و در راه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند.^۳ «اگر دولت‌های اسلامی واقعاً به خود می‌آمدند، توجه می‌کردند که یک

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۷.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۳۲۴.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

همچو محفل بزرگی، که خدای تبارک و تعالی بر ما لازم کرده، بر عددی از ما الزام کرده و بر همه مستحب کرده است که آنجا برویم، این دولت ها وسایلیش را فراهم می کردند و ملت هایی که می رفتند آنجا با دست باز باهم ملاقات می کردند، باهم دردهای بلاد خودشان را [در] میان می گذاشتند، گرفتاری هایی که از قدرت های بزرگ برای آنها پیش می آمد و پیش می آید، طرح می کردند، گفت و گو می کردند و برمی گشتند به محال خودشان و تبلیغ می کردند مسائل را. اگر دولت ها، دولت هایی بودند که توجه داشتند به این مسائل و نمی خواستند که زیر بار قدرت های بزرگ باشند و می فهمیدند لذت اینکه یک حکومت بر یک جامعه بیدار از یک حکومت بر یک جامعه ای که هیچ خبر از هیچ چیز ندارد، بهتر است، از زیر بار بیرون آمدن از ابرقدرت ها، ولو هر جور مصیبت هم برای ملت های ما داشته باشد، بهتر است از اینکه ما در کاخ های بزرگ و در خانه های چه و کذا و اتومبیل های کذا باشیم و نوکر باشیم. اگر اینها این را می فهمیدند، دست از این کارها برمی داشتند و با ملت ها هم صدا می شدند و وسایلی را فراهم می کردند و این محفل بزرگ حج را نه این طوری که حالا هست، درست به جا می آوردند و خودشان هم می آمدند، در آن محافل می نشستند و مسائلشان را حل می کردند. آن وقت اسلام یک قدرتی می شد که هیچ قدرتی مقابل او نبود. این یک راه هست که مردم را، همه مردم را سالی یک دفعه همه بلاد را دعوت کردند ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ﴾ هر کس بتواند باید برود.^۱

منابع

* قرآن کریم

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل (طبع جدید)، امام خمینی.
۲. شرح دعاء السحر (ترجمه فارسی)، امام خمینی.
۳. مبادی و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، حسین مقیمی.
۴. نرم افزار صحیفه امام (مجموعه کتب، بیانات، نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی علیه السلام).